



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.1, No2, 18-46.

## The concept and principle of political wisdom in Kelile and Demne<sup>1</sup>

Mehdi Hasani Bagheri Sharifabad<sup>2</sup>

Hamed Hosinkhani<sup>3</sup>

### Abstract

*Ancient literature of Iran has contained both literary value and Iranian's deep thoughts over centuries as well. One of these valuable literary works would be "Kelile and Demne" book. This book would be considered as a moral or an advisory book about government and politics. Main principals of Kelile and Demne had been based upon Iranian thoughts. Wisdom would be regarded as one of the remarkable principals that it could be interpreted as political wisdom in governing domains. The present article aimed at exploring the principals of political concept of wisdom in Kelile and Demne. Attempt has been made to achieve the mentioned purposes by developing a question relating principals and concepts of political wisdom in this literary art "kelile and Demne". To accomplish the goal, the descriptive –analytical methodology was utilized and Data were collected by library methodology. In the main hypothesis, the concept of political wisdom and also the various ways and manners in conducting affairs were discussed. Moreover, the principals of political wisdom including the unity of religion and politics, justice, then royal-ideal thoughts and magnificent of God were presented. Finally the researcher reached to the conclusion that political wisdom in Kelile and Demne can be defined as the political method and manner of conducting and directing of the affairs of government affected by its general principals as well as its general framework in Iranian ancient thoughts especially influenced by Iranian political thoughts.*

**Keywords:** *Kelile and Demne, political thought of Iranian, wisdom, political wisdom, political thought in Iran*

---

<sup>1</sup> . Received: 2022/09/07; Accepted: 2022/08/25; Printed: 2022/07/26

<sup>2</sup> . Assistant Professor, Political Science Department, Baft Unit, Islamic Azad University, Baft, Iran (Corresponding Author) mehdi.hasanibakri@gmail.com

<sup>3</sup> . Assistant Professor at the Department of Persian Language and Literature, Shahid Kerman Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. hamed.hoseinkhani@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱، ۴۶-۱۸.

## مفهوم و مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه<sup>۱</sup>

مهدی حسنی باقری شریف آباد<sup>۲</sup>

حامد حسینیخانی<sup>۳</sup>

### چکیده

کلیله و دمنه اندرزنامه‌ای است درباره حکومت و سیاست که خطوط اصلی آن بر محور اندیشه‌های ایرانی‌شهری است. «خرد» یکی از برجسته‌ترین این محورهاست که می‌توان در عرصه حکومت‌داری از آن به «خرد سیاسی» تعبیر کرد. هدف اصلی این مقاله واکاوی مفهوم و مبانی خرد در مفهوم سیاسی آن در کلیله و دمنه است. تلاش شده است با طرح پرسشی درباره مفهوم و مبانی خرد سیاسی در این اثر و با استفاده از روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و با گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، در جهت دستیابی به این هدف حرکت کرد. در فرضیه اصلی مفهوم خرد سیاسی روش و منش اداره امور و مبانی آن مواردی همچون توأمانی دین و سیاست، عدالت، اندیشه شاهی آرمانی و فقر‌انزیدی معرفی شده است. در نهایت نویسنده به این نتیجه دست یافته که خرد سیاسی در کلیله و دمنه به معنای کلی روش و منش سیاسی اداره امور متأثر از مبانی و ساختار کلی آن در اندیشه‌های کهن ایرانی به‌ویژه در اندیشه‌های سیاسی ایرانی‌شهری است و نمودهای آن را می‌توان در باب‌های گوناگون این اثر بر حسب موقعیت و شرایط، در قالب حکایت‌های گوناگون بررسی کرد.

**واژگان کلیدی:** کلیله و دمنه، اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری، خرد، خرد سیاسی، اندیشه سیاسی در ایران.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۶/۱۶  
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول)  
mehdi.hassanibakri@gmail.com  
۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران  
hamed.hoseinkhani@gmail.com

## مقدمه

«کلیله و دمنه» یکی از قدیمی‌ترین متون ادبی جهان است. منبع اصلی این کتاب در زبان سانسکریتی «پنچانتترا» و «مهابهارت» و «هیتوپادسا» به معنای تعلیم مفید است. داستان‌های کلیله و دمنه را هندی‌ها از این سه کتاب یادشده اخذ کرده بودند (اقبال‌آشتیانی ۱۳۵۲، ۲۲-۲۱). از میان این سه منبع یادشده، «پنچانتترا» از همه قدیمی‌تر است.

کلیله و دمنه در سال‌های حکومت انوشیروان (۵۳۱-۵۷۸ م) از هند به ایران آورده شد و در دوران اسلامی ابن‌مقفع آن را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرد. در دوره سامانیان رودکی ساز نخستین شاعران پارسی‌گو—ترجمه ابن‌مقفع را به نظم فارسی درآورد و پس از وی بنا به گفته نصرالله منشی، کتاب توسط افراد دیگری به فارسی ترجمه شده، اما از آن ترجمه‌ها چیزی باقی نمانده است. آنچه امروزه با نام کلیله و دمنه فارسی می‌شناسیم، ترجمه‌ای است از کتاب ابن‌مقفع که در دوره «بهرام‌شاه غزنوی» توسط «ابوالمعالی نصرالله منشی» انجام گرفته است.

«ذبیح‌الله صفا» در کتاب تاریخ ادبیات ایران، تاریخ این ترجمه را دقیقاً مشخص نکرده اما حدس زده چون کتاب به نام «ابوالمظفر بهرام‌شاه بن مسعود بن ابراهیم» نوشته شده است، تاریخ تألیف آن باید بعد از سال ۵۱۱ و پیش از سال ۵۴۷ هجری باشد (صفا، ۱۳۸۵، ۵۴۳).

جدا از ارزش‌های ادبی این اثر و جایگاه آن در تاریخ ادبیات، کلیله و دمنه در تاریخ اندیشه ایران و به‌ویژه در تاریخ اندیشه سیاسی، جایگاه ویژه‌ای دارد و در ردیف اندرزننامه‌ها و سیاست‌نامه‌های به‌جامانده از دوران ایران باستان جای می‌گیرد. «اروین آی. جی. روزنتال» سیاست‌نامه‌ها را بخشی-از میراث ایرانی قبل از اسلام می‌داند که جدا از اهمیت ادبی، از جهت بررسی و مطالعه هنر حکومت‌داری نیز حائز اهمیت‌اند (روزنتال، ۱۳۸۷، ۶۰). «لمبتون» نیز ضمن تقسیم شیوه‌های گوناگون اندیشه سیاسی در اسلام به سه دسته تئوری فقها، تئوری فلاسفه و تئوری ادبی، اعتقاد دارد. تئوری ادبی-که کلیله و دمنه در آنجا می‌گیرد-ضمن تأکید بر حق الهی حکومت، عمل‌گراست و می‌کوشد هنجارهای اسلامی را با سنت‌های پادشاهی ساسانی آشتی دهد (لمبتون، ۱۳۷۹، ۶).

در یک نگاه کلی می‌توان کلیله و دمنه را کتاب سیاست و آیین حکومت‌داری نامید. اثری که نویسندگان آن به رسم مألوف گذشتگان تلاش کرده‌اند تا دقیق و ظرایف و آداب و رسوم جهان‌داری و حکومت را در قالب حکایت‌های زیبا و جذاب و دلنشین برای پادشاهان و احتمالاً کارآموزان این منصب از میان درباریان بیان کنند. محور و مخاطب اصلی کلیله و دمنه، پادشاهان و کارگزاران حکومت هستند و خمیرمایه مباحث آن بر اندیشه‌های ایرانی‌های باستان در باب حکومت قرار دارد. این اندیشه‌ها در ادبیات سیاسی ایران به نام «اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری» شناخته می‌شود. مبنای این اندیشه‌ها مفاهیمی است که عمدتاً برگرفته از آیین‌ها و تفکرات ایرانی‌های باستان است. گاه ریشه این تفکرات به دوران قدیمی‌تر زندگی آریایی‌ها می‌رسد و می‌توان جنبه‌هایی از آن را در اساطیر و باورهای مشترک اقوام هند و اروپایی پیدا کرد. به این ترتیب مباحث مطرح‌شده در هریک از آثار مرتبط به این اندیشه‌ها ناگزیر بر مبنای تفکرات مردم آن دوره قرار می‌گیرد. مهم‌ترین این مفاهیم را می‌توان مواردی همچون «خرد»، «راستی»، «عدالت»، «توأمانی دین و سیاست»، «فرّ ایزدی» و اندیشه «شاهی آرمانی» برشمرد.

### هدف پژوهش

این مقاله با محور قراردادن عنصر «خرد» و مفهوم و جایگاه آن در کلیله و دمنه در تلاش است تا مبانی آن را در چارچوب مفهوم «خرد سیاسی» مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس، خرد سیاسی را می‌توان در مفهوم کلی تمشیت امور و روش و منش اداره کشور و به‌طور کلی کشورداری تعریف کرد (حسینی باقری، ۱۳۸۸، ۱۰۱). به این ترتیب هدف کلی این مقاله جست‌وجوی مفهوم و مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه است.

### پیشینه پژوهش

کلیله و دمنه به لحاظ ارزش و جایگاه خود همواره مورد توجه پژوهشگران در مطالعات علمی بوده است. با نگاهی اجمالی به پژوهش‌های انجام‌شده درمی‌یابیم عمده این کارها جنبه ادبی صرف داشته و کمتر به مباحث سیاسی و اجتماعی پرداخته است.

«درباره کلیله و دمنه» نوشته «محمدجعفر محجوب» (۱۳۴۹) یکی از نخستین آثاری است که به این اثر پرداخته است. نویسنده در این اثر طی چهار فصل به ریشه‌ها و منابع، ترجمه‌های گوناگون، اقتباس‌ها و تقلیدها و ترجمه دو باب از باب‌های ترجمه‌نشده کلیله و دمنه پرداخته است. این اثر برای شناخت ویژگی‌های ادبی و تاریخی کلیله و دمنه باارزش است، اما وارد مباحث تحلیلی و به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی نمی‌شود.

«محمدحسن حمیدی» (۱۳۸۶) در کتاب «آرام و بی‌قرار (فرهنگ سیاسی در ادبیات فارسی)» بخشی را به فرهنگ سیاسی در داستان‌های بیدپای اختصاص داده است. از دیدگاه وی کلیله و دمنه شکل‌دهنده فرهنگ سیاسی ایران تا دوره مشروطه بوده است. حمیدی در نهایت به این نتیجه رسیده که تصویر قدرت سیاسی در داستان‌های کلیله و دمنه، تصویری منفی و نشانگر ناکارآمدی و خدشه‌دارشدن مشروعیت سیاسی است. وی معتقد است امنیت نیز در آن دوران به مسئله‌ای جدی تبدیل شده و بحران‌های هویتی را دامن زده بود. «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه» مقاله‌ای است که «جواد دهقانیان» (۱۳۹۰) تألیف کرده است. در این مقاله نویسنده به جایگاه ادبی و فرهنگی کلیله و دمنه پرداخته و تفاوت جنبه داستانی و اندرزی این کتاب را از دیدگاه فرهنگ سیاسی، با آثار مشابه بررسی کرده است. از دیدگاه نویسنده در کلیله و دمنه دو پایگاه قدرت مبتنی بر زور و قدرت الگویی یا مرجع، برتر از سایر شاخص‌های قدرت است و الگوی ارائه‌شده از قدرت در این کتاب شباهت فراوانی با نظریه «حکومت فلاسفه» افلاطون دارد.

در مقاله «سیر و تداوم اندیشه‌های ایران‌شهری در کلیله و دمنه»، «بیژن ظهیری‌ناو» (۱۳۹۳) و دیگران نویسندگان تلاش کرده‌اند مفاهیم اصلی اندیشه‌های ایران‌شهری را در کلیله و دمنه جست‌وجو و بررسی کنند. بر این اساس مفاهیمی همچون «شاهی آرمانی»، «فرّ ایزدی»، «توأم‌ان بودن دین و سیاست»، «عدالت» و «راستی» در این اثر تبارشناسی شده است.

«نثر فارسی در سپهر سیاست» عنوان کتابی تألیف «مریم صادقی» (۱۳۹۴) است. در این اثر به مبانی و محورهای سیاسی، دینی و اجتماعی که موجب دگرگونی نثر فارسی و به‌ویژه نثرهای تاریخی و عرفانی شده، پرداخته است. فصل پنجم این کتاب به بررسی مبانی و ابعاد سیاسی و دینی کلیله و دمنه اختصاص دارد و در آن نویسنده اندیشه‌های سیاسی کلیله و دمنه را در شش محور شاه، وظایف

و ویژگی‌ها، دولتمردان و وزیران، انواع قدرت، ابزارهای رسیدن به قدرت و راه‌های تثبیت قدرت بررسی کرده است.

### پرسش‌ها و فرضیه‌ها

پرسش‌های اصلی مطرح‌شده در این مقاله به این ترتیب است: ۱ — مفهوم خرد سیاسی در کتاب کلیله و دمنه چیست؟

۲. مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه کدام است؟

چارچوب نظری به کار گرفته‌شده برای پاسخ به پرسش‌ها نظریه «اندیشه سیاسی ایران‌شهری» است. بر این پایه فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

۱ - به نظر می‌رسد خرد سیاسی در کلیله و دمنه به مفهوم منش و روش سیاسی اداره جامعه است.

۲- به نظر می‌رسد مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه توأمانی دین و سیاست، عدالت، فره ایزدی شه‌ریاران و اندیشه شاهی آرمانی است.

در این مقاله ابتدا مبحثی کلی درباره چارچوب نظری، پیشینه طرح مفهوم خرد در اندیشه ایرانی و مفهوم و ویژگی‌های کلی خرد در کلیله و دمنه مطرح و سپس مبانی خرد سیاسی مطابق با فرضیه‌های پیش‌گفته به بحث گذاشته شده است.

### اندیشه سیاسی ایران‌شهری

شواهد و رگه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری را می‌توان در سراسر دوران قبل و بعد از اسلام در ایران جست‌وجو کرد. بر پایه این اندیشه و با استناد به مؤلفه‌های آن می‌توان چارچوبی نظری برای بررسی قدرت و سیاست در ایران تدوین کرد. این چارچوب دارای چنان بار تئوریک است که بتوان با آن ویژگی‌ها، شرایط، مؤلفه‌ها و آثار تفکر سیاسی را در ایران بررسی کرد.

اندیشه‌های ایران‌شهری گستره وسیعی را در ابعاد گوناگون شامل می‌شود که گرد محور «ایران‌شهر» شکل گرفته است. «محمد معین» در کتاب «مزدیسنا و

ادب پارسی» ایرانشهر را مفهومی می‌داند که به معنای کلی و جامع کشور ایران بوده است (معین، ۱۳۸۴، ۱۴۰). در اوستا نیز در بخش وندیداد از جایی به نام «ایرانویج» نام برده شده که خاستگاه اصلی ایرانی‌ها بوده است (حیدری‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۶۴).

ایرانشهر ارتباط مستقیمی با تشخیص مفهوم ایران پیدا می‌کند. در ادبیات حماسی ایران و به‌ویژه در شاهنامه فردوسی، ایرانشهر واحدی سیاسی است که مرزهای مشخص دارد. فردوسی با استادی تمام در بخش اساطیری شاهنامه در داستان فریدون، شکل‌گیری عینی واحد جغرافیایی و سیاسی را به نام «ایران» به لحاظ هویت‌سازی و وجود «دیگری» در کنار و حتی رویارویی «توران» و «روم» شرح می‌دهد. در این روایت بخش میانی عالم بر اساس شایستگی بین سه فرزند فریدون یعنی ایرج و سلم و تور تقسیم می‌شود. از این میان بهترین بخش ایران است که به شایسته‌ترین فرزند، «ایرج» می‌رسد (فردوسی، ۱۳۸۶، ۱۰۷).

از بین اقسام گوناگون اندیشه‌های ایرانشهری، اندیشه سیاسی و آنچه مربوط به ساختار کلی قدرت و چگونگی تمشیت امور است، در زبان پهلوی «آیین نامگ» خوانده می‌شد. درباره اهمیت این اندیشه‌ها جواد طباطبایی می‌نویسد: «اندیشه سیاسی ایرانشهری همچون رشته ناپیدایی است که دو دوره بزرگ تاریخ دوران قدیم ایران‌زمین را از دوره باستانی آن تا فراهم آمدن مقدمات جنبش مشروطه‌خواهی به یکدیگر پیوند می‌زند» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۷۱).

اهمیت اندیشه سیاسی ایرانشهری را می‌توان از وجوه گوناگون بررسی کرد. صرف وجود مجموعه تئوریک با پایه‌ها و مقدمات بومی که شکل‌گیری آن منطبق با تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوده است و ارکان آن بنا بر مقتضیات ویژه ایران پایه‌ریزی شده، دارای اهمیت بسیاری است؛ به‌ویژه امروز که انواع و اقسام روش‌ها و شیوه‌ها و نظریات ناآشنا و برون‌مرزی که هرکدام داعیه‌دار پاسخ‌گویی معضلات سیاسی و اجتماعی هستند نظام فکری ما را جولانگاه خود قرار داده‌اند. در چنین شرایطی تکیه بر ایده‌های بومی می‌تواند راهگشا باشد. جدای از این مسئله، شاید بتوان مهم‌ترین جنبه اهمیت این نظریه را در نقشی- دانست که در «استمرار فرهنگ ایرانی» داشته است.

اشکال ظهور و بروز اندیشه سیاسی ایرانشهری را می‌توان بر اساس دسته‌بندی که طباطبایی انجام داده است، در این موارد جست‌وجو کرد:

- ۱- فلسفه سیاسی که در آثار فارابی تجلی یافت.
- ۲- سیاست‌نامه‌نویسی- بر مبنای تداوم آیین‌نامه‌ها، خردنامه‌ها و اندرزنامه‌های ایران باستان.
- ۳- شریعت‌نامه‌نویسی (طباطبایی، ۱۳۸۵).

البته در این میان نباید عرفان ایرانی و مذهب تشیع را فراموش کرد. اندیش‌مندانی همچون «هانری کرین» این دو مقوله را مهم‌ترین محمل استمرار فرهنگ ایرانی پس از اسلام دانسته‌اند. به‌ویژه کرین بر نقش «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» — شیخ اشراق — تأکید دارد و او را واسطه العقد حکمت خسروانی (فلسفه نور) ایران پیش از اسلام و حکمت معنوی ایران پس از اسلام می‌داند (ممتاز، ۱۳۸۴، ۱۲).

### ارکان و بنیان‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری

اندیشه سیاسی در ایران پیش از اسلام از پنج رکن اصلی تشکیل شده است. اندیشه سیاسی ایران‌شهری نیز در زیرمجموعه این ارکان قابل بحث است. این ارکان به روایت «کمال پولادی» عبارت است از:

- ۱- نظم کیهانی به‌عنوان نقطه ارجاع کلی؛
- ۲- اشته یا ارته به‌عنوان جوهر نظم؛
- ۳- آرمان‌شهر به‌عنوان جامعه فرجامین؛
- ۴- شاه. آرماتی به‌عنوان پیونددهنده نظم زمینی با نظم کیهانی؛
- ۵- لایه‌بندی سیاسی جامعه (پولادی، ۱۳۸۵، ۲۲-۲۱).

بر این اساس، محتوای اندیشه سیاسی ایران‌شهری از جنبه‌های گوناگون مورد بحث و در مقوله‌های گوناگونی مطرح شده است. «احمد ممتاز» ۱۰ مقوله یا ویژگی را به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایران‌شهری مطرح می‌کند. این ۱۰ مقوله عبارت است از:

- ۱- اصالت و استقلال منطق امر سیاسی؛
- ۲- عدم توجه به واقعیت (آنچه در واقع و نفس‌الامر رخ می‌دهد) و توجه به حقیقت (حقیقت رابطه نیروهای سیاسی)؛
- ۳- نقادی زمانه؛



- ۴- اعتقاد به نظریه شاه‌ی آرمانی (شاه‌آرمانی دارای فره سیاسی)؛
- ۵- توجه به عدالت و مصلحت عمومی؛
- ۶- جایگاه ممتاز وزارت و مشاوره؛
- ۷- تأکید بر تخصص، کردانی و کارایی؛
- ۸- اهمیت جنگ و امور نظامی و محوریت آن در اتخاذ تصمیمات سیاسی؛
- ۹- اعتقاد به اینکه فتنه (دروغ) سرآغاز همه بدی‌هاست؛
- ۱۰- آمیختگی سیاست با همه اموری که به نوعی با کشورداری پیوند دارد (ممتاز، ۱۳۸۴، ۱۴)

جدای از این موارد و در یک جمع‌بندی ارکان اندیشه‌های سیاسی ایران‌شهری را می‌توان در مقوله‌هایی چون: عدالت، خرد، توأمان بودن دین و سیاست، فره‌یزدی و شاه‌ی آرمانی خلاصه کرد. هر یک از این موارد مبنا و پشتوانه نظری و عملی در مباحث مربوط به سیاست و حکومت‌داری در متون گوناگون اندیشه سیاسی ایران به‌ویژه در سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها قرار می‌گیرد.

### مفهوم خرد سیاسی در کلیله و دمنه

«خرد»، یکی از عمیق‌ترین مفاهیم مطرح‌شده در اندیشه ایرانی‌های قدیم به‌ویژه در آیین زرتشتی و متون آن است. در عقاید و آیین‌های کهن ایرانی، عناصر حیات‌بخش و زندگی‌ساز مانند آب و باران، یاران خرد مقدس هستند. در «بند‌هشن» به دو گونه خرد خبیث و خرد مقدس و به موازات آن به دو جبهه یاران خرد مقدس و خرد خبیث اشاره شده است (دادگی، ۱۳۸۵).

در «مینوی خرد» ابعاد گوناگون خرد مورد بحث قرار گرفته است. «سی. آرتو زنر» معتقد است خرد در کتاب مینوی خرد ماهیتی خلق‌نشدنی دارد و از همان آغاز همراه اهورامزدا بوده و از طریق قدرت او، آفرینش به وقوع پیوسته است (زنر، ۱۳۸۴، ۳۱۳-۳۱۲). در مقدمه این کتاب، فلسفه و انگیزه و چگونگی آفرینش با خرد پیوند می‌یابد و آفریدگار مخلوقات را به خرد آفریده و آنها را به خرد نگه می‌دارد و به واسطه قدرت خرد آنها را جاودانه از آن خود می‌کند (مینوی خرد، ۱۳۸۵، ۱۷). در «اوستا» خرد عاملی برای تمایز نیکی از بدی است و با آن می‌توان

راستی و درستی را سنجید و در نهایت این خرد است که با همکاری اندیشه نیک و رفتار نیک، بشر را به سلامت و سعادت می‌رساند (آشتیانی، ۱۳۷۴، ۱۹۲).

در اساطیر زرتشتی، «بهمن»، نخستین زاده خداست و در طرف راست اهورامزدا می‌نشیند و نقش مشاور را دارد. بهمن مظهر خرد خداست که در وجود انسان فعال است و انسان را به سوی خدا رهبری می‌کند (هیلتز، ۱۳۸۱، ۷۱-۷۲). به‌طور کلی در آیین زرتشتی، خرد ابزار انسان است و با آن به اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک دست می‌یابد و به سعادت و خوشبختی می‌رسد (دیلیم صالحی، ۱۳۸۴، ۲۶).

مفهوم مطرح‌شده از خرد در کلیله و دمنه، شباهت‌های بسیاری با متون کهن ایرانی به‌ویژه آیین زرتشتی و متون اصلی آن همچون اوستا دارد.

نصرالله منشی— در دیباچه خود بر ترجمه فارسی کلیله و دمنه با نقل بی‌بی از «سنایی غزنوی» به نقش و اهمیت خرد و قدرت تمایز بخشی— آن اشاره می‌کند (منشی—، ۱۳۸۷، ۵). ابن مقفع نیز در مقدمه ترجمه به عربی کلیله و دمنه، عقل و خرد را به‌عنوان پایه چیزها و امور می‌داند و معتقد است پایه و اساس آفرینش بر قدرت و حکمت الهی است و وجه ممیزه انسان‌ها از سایر موجودات در آفرینش، وجود عقل و خرد در آنهاست:

«ایزد تبارک و تعالی بکمال قدرت و حکمت  
عالم را بیافرید و آدمیان را به فضل و منت  
خویش بمزیت عقل و رجحان خرد از دیگر  
جانوران ممیز گردانید، زیرا که عقل بر اطلاق  
کلید خیرات و پای بند سعادات است و  
مصالح معاش و معاد و دوستکامی دنیا و  
رستگاری آخرت بدو باز بسته است...»  
(منشی، ۱۳۸۷، ۲۵).

در ادامه ابن مقفع مانند آموزه‌های مانوی و اندیشه‌های متون کهن ایران باستان، خرد را به دو نوع غریزی (ذاتی) و اکتسابی تقسیم می‌کند. خرد غریزی، خردی است که خداوند در نهاد انسان‌ها قرار داده و مانند حضور بالقوه آتش در چوب هرگاه شرایط آن فراهم شود بالفعل می‌گردد. خرد مکتسب، خردی است که

به مرور و بر اساس تجربه‌های گوناگون در انسان شکل می‌گیرد (منشی، ۱۳۸۷، ۲۸).

### ویژگی‌های خرد و خردمندان در کلیله و دمنه

یکی از موارد مهمی که در اغلب باب‌های کلیله و دمنه به آن پرداخته شده، بیان ویژگی‌های خرد و خردمندی و خردمندان است. در ابتدای کتاب و در مقدمه ابن مقفع هشت ویژگی برای عقل ذکر کرده است. این ویژگی‌ها که هم در مقوله اخلاق جای می‌گیرد و هم جنبه اجتماعی و سیاسی دارد، عبارت است از: بردباری، خودشناسی، اطاعت پادشاهان، شناخت اسرار و داشتن دوستان محرم، رازداری و پنهان نمودن اسرار، چاپلوسی بر درگاه پادشاهان و با زیان خوب دل دوستان را به دست آوردن، کنترل زبان و خاموشی و سکوت در جمع و سخن گفتن به وقت (منشی، ۱۳۸۷، ۳۲).

ویژگی دیگری که برای خردمند در مقدمه ابن مقفع آمده و یادآور دستورات اخلاقی فیلسوفان معاصر است، این جمله است که (خردمند) «هر کار که مانند آن بر خویشتن نپسندد در حق دیگران روا ندارد» (منشی، ۱۳۸۷، ۴۲).

موارد کلی و پراکنده دیگری نیز از ویژگی‌ها و اوصاف خردمندان در کلیله و دمنه به چشم می‌خورد؛ مواردی همچون: «خردمند کسی است که حتی در دلش نیز آرزوی چیزی را که رنج آن بسیار باشد و سودش اندک، نمی‌کند» یا «خردمند با مشاهده ظاهر پی به باطن افراد می‌برد» (منشی، ۱۳۸۷، ۶۴).

در جای‌جای کتاب، برحسب موقعیت و روال داستان و حوادث، اشاره‌هایی به ویژگی‌های خردمندان شده است. به عنوان مثال در باب «بوف و زاغ» درباره چگونگی شکل‌گیری دشمنی میان گروه کلاغ‌ها و بوف‌ها می‌خوانیم: «و خردمند اگرچه بزور و قوت خویش ثقت تمام دارد تعرض عداوت و مناقشت جایز نشمرد و تکیه بر عدت و شوکت خویش روا نبیند» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۱۰).

یا در باب «شیر و گاو» زمانی که «دمنه» موقعیت خود را نزد شیر از سوی گاو در خطر و خود را در مقابل نتایج منفی کاری که خود کرده است می‌بیند، به فکر علاج می‌افتد و در گفت‌وگو با کلیله و برای توجیه کار خود به سه مقصود خردمندان و عقلا اشاره می‌کند: «در طلب نفع سابق تا بمنزلت و خیر سابق برسد

و از مضرت آزموده بپرهیزد؛ و نگاه‌داشتن منفعت حال و بیرون آوردن نفس از آفت وقت و تیمار داشت مستقبل در احراز خیر و دفع شر» (منشی، ۱۳۸۷، ۸۰).

در جای‌جای کلیله و دمنه و در حکایت‌های اصلی و فرعی، بنا بر سیر حوادث، ویژگی‌هایی برای خردمندان و رفتار خردمندان ذکر شده است. نگاهی کلی به این ویژگی‌ها و رفتار منبعث از آنها بیانگر نوعی منش و روش ویژه است که عمدتاً تلاش شده در رویارویی با مسائل جاری حکومت و حل و فصل مسائل پیش آمده مطرح شود. سمت‌وسوی کلی این منش و روش را می‌توان «خرد سیاسی» نامید. واقع‌گرایی و عمل‌گرایی دو ویژگی اصلی آن است.

مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توان به شکل کلی برای ویژگی خرد سیاسی و چگونگی برخورد خردمندان با مسائل کشور در کلیله و دمنه بیان کرد، همان است که در باب گریه و موش آمده است. در پایان این حکایت و زمانی که موش به تدبیر و خرد از دام دشمنان گوناگون و رهایی می‌یابد، به این نکته اشاره می‌شود که عاقل و خردمند کسی است که امورش را بر اساس شرایط زمانه تدبیر کند و همیشه مقتضیات زمان و مکان را بشناسد و «بر مزاج روزگار» عمل کند و «پوستین سوی باران برگرداند»:

«و عاقل همچنین در کارها بر مزاج روزگار می‌رود و پوستین سوی باران می‌گرداند و هر حادثه را فراخور حال و موافق وقت تدبیری می‌اندیشد و با دشمنان و دوستان در انقباض و انبساط و رضا و سخط و تجلد و تواضع چنانکه ملایم مصلحت تواند بود زندگانی می‌کند و در همه معانی جانب رفق و مدارا برعایت می‌رساند» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۷۹).

علاوه بر این، رعایت مصلحت و اصل مدارا نیز در این زمینه توصیه شده است.

### خرد سیاسی در رویارویی با دشمنان

یکی از پرتکرارترین موارد مطرح‌شده در بیان خرد سیاسی در کلیله و دمنه، شیوه رویارویی با دشمنان در جنگ است. یکی از نخستین مواردی از این دست، در باب شیر و گاو و از زبان دمنه در نتیجه‌گیری از حکایت «زاغ و گرگ و شغال» آمده است. دمنه پس از شنیدن این حکایت خردمند را کسی می‌داند که در جنگ

پیش‌دستی نمی‌کند و به استقبال خطرهای بزرگ نمی‌رود و تا آنجا که می‌تواند تلاش می‌کند تا با مدارا و نرمی از جنگ و رویارویی جلوگیری کند، اما در عین حال نباید دشمن ضعیف را خوار بشمارد (منشی، ۱۳۸۷، ۱۰۹).

فراتر از این حتی زمانی که خردمند در جنگ دست برتر را دارد و می‌تواند بر دشمن دست پیدا کند و بر او استیلا یابد، باید خود را از جنگ دور نگاه دارد: «خردمندان در حال قوت و استیلا و قدرت و استعلا از جنگ چون خرچنگ پس خزیده‌اند و از بیدار کردن فتنه و تعرض مخاطره‌تحرز و تجنب واجب دیده‌اند» (منشی، ۱۳۸۷، ۱۱۵).

نکته اصلی در این بینش، حل مسائل و مشکلات از راه تدبیر و گفت‌وگو است:

«و پوشیده نماند که رأی در رتبت بر شجاعت مقدم است که کارهای شمشیر به رأی بتوان گزارد و آنچه به رأی دست دهد شمشیر دو اسبه در گرد آن نرسد، چه هرکجا رأی سُست بود شجاعت مفید نباشد...» (منشی، ۱۳۸۷، ۱۱۵)

به این مفهوم در باب بوف و زاغ نیز اشاره شده است. در این باب خردمند کسی است که اگرچه صاحب زور و قدرت است اما به اعتبار آن به مناقشه و جنگ دست نمی‌زند و به شوکت و توان خود برای آغاز جنگ تکیه نمی‌کند (منشی، ۱۳۸۷، ۲۱۰)، در عین حال به سخن دشمن نیز توجه نمی‌کند و فریب او را نمی‌خورد و هر چه از دشمن نرمی و دوستی بیشتر ببیند نسبت به او بدگمان‌تر می‌شود (منشی، ۱۳۸۷، ۱۹۱).

بیشترین حجم مباحث مربوط به این مقوله در باب گربه و موش آمده است. باب موش و گربه را می‌توان حکایتی درباره چگونگی رویارویی خردمندان در شرایط خطیر و حساس با دشمنان دانست. در این باب، وضعیت کسی بیان می‌شود که در میان دشمنان انبوه قرار گرفته و راه فراری ندارد، اما با استفاده از قوه عقل خود از مهلکه جان به در می‌برد.

پایه و اساس این حکایت بر این اصل قرار دارد که دوستی‌ها و دشمنی‌ها ثابت نیست و امکان دارد بنا بر مقتضیات زمان استحاله یابد؛ مانند هوای بهاری که گاهی می‌بارد و گاهی آفتابی است، بسیار دوستی‌ها که بی‌نقص و به کمال رسیده

می‌نماید فرومی‌پاشد و بسیار دشمنی‌ها ناپدید می‌گردد و دوستی جانشین آن می‌شود (منشی، ۱۳۸۷، ۲۷۵).

اما در هر صورت خردمند باید این اصل را که برگرفته از حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است رعایت کند که: «دوست بدار دوست خویش را بنرمی و بمیان‌ه‌روی، شاید که روزی دشمنت باشد؛ و دشمن‌دار دشمن خویش را به نرمی و بمیان‌ه‌روی، باشد که روزی تو را دوست گردد» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۶۷).

تأکید اصلی این باب بر کاربرد قوه عقل و خرد در رویارویی با دشمنان در شرایط خطیر است. موش که خود را از هر جهت در خطر می‌بیند تنها راه نجات را تکیه بر خرد خود می‌داند:

«... هیچ پناهی مرا به از سایه عقل و  
هیچ کس دست‌گیرتر از سالار خرد نیست. و  
قوی‌رای به هیچ حال دهشت را بخود راه  
ندهد و خوف و حیرت را در حواشی دل  
مجال نگذارد، چه محنت اهل کیاست و  
حصافت تا آن حد نرسد که عقل را  
پوشاند» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۶۸)

بنابراین موش به این نتیجه می‌رسد که در شرایط و موقعیتی که او گرفتار شده، هیچ تدبیری بهتر از صلح با گربه نیست؛ چون گربه نیز با این که دشمن اوست، در دام گرفتار است و بدون یاری او نمی‌تواند از دام خلاصی یابد. در این شرایط موش پایه استدلال خود و اساس تدبیرش را بر احتمال رفتار خردمندانه گربه قرار می‌دهد: «شاید بُوَد که سخن من بگوش خرد استماع نماید و تمیز عاقلانه در میان آرد...» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۶۸).

تصور موقعیتی که موش در آن گرفتار شده است، به گونه‌ای که از یک سو، راسوبی در کمین و از سوی دیگر جغدی انتظار او را می‌کشد، خطرترین موقعیتی است که امکان دارد در زندگی سیاسی فرد و یک سرزمین رخ دهد. در این شرایط باید از دشمنی به دشمن دیگر پناه برد و راه خلاصی را جست. موش با آگاهی و بینش و با تحلیل این شرایط و همچنین احتمال رفتار خردمندانه از سوی گربه در بند، نزدیک او می‌رود و با توضیح شرایط به او یادآوری می‌کند که وضعیت

به گونه‌ای است که هر دو در بلایی گرفتار، با یکدیگر شریک هستند و منافعیشان در یک راستا قرار گرفته است. با این همه و قبل از اینکه بندهای دام گربه را باز کند از او می‌خواهد ضمانت دهد تا پس از این کار، به او حمله نکند. در اینجا موش «اعتماد» و «وفای به عهد» را مطرح می‌کند و خطاب به گربه هشدار می‌دهد:

«... هیچ کس از یافتن حسنات و ادراک سعادات از دو تن محروم‌تر نباشد: اول آنکه بر کسی — اعتماد نکند و به گفتار خردمندان ثقت او مستحکم نشود؛ دیگر آنکه دیگران از قبول روایت و تصدیق شهادت او امتناع نمایند و در آنچه گوید خردمندان را جواب نبود. و من در عهده وفای خود می‌آیم و می‌گویم: اگر یگانه شوی با تو دل یگانه کنم ز عشق و مهر دگر دلبران کرانه کنم» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۷۰).

در باب موش و گربه خرد سیاسی حکم به دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر اساس منافع و ضررهایی که می‌تواند برای افراد داشته باشد می‌کند. اگر برای خردمند مشکلی پیش آید که حل آن بدون توسل به دشمن امکان‌پذیر نباشد، باید به دشمن رو کند و به او اظهار دوستی نماید و به همین نسبت نیز اگر از دوستی خلاف و خطایی ببیند باید از او کناره‌گیری کند (منشی، ۱۳۸۷، ۲۷۸).

با این همه هنگامی که موقعیت اضطراری به پایان آمد و منافع مورد نظر حاصل شد، نباید رابطه با دشمن ادامه یابد:

«و خردمند چون عنان اختیار به دست آورد و دواعی اضطرار زایل گردانید در مفارقت دشمن مسارعت فرض شناسد و مثلاً لحظی تأخیر و توقف و تأنی و تردد جایز نشمرد؛ هر چند از جانب خویش سراسر ثبات و وقار مشاهده کند از جانب خصم آن در وهم نیارد» (منشی، ۱۳۸۷، ۲۸۰).

## مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه

خرد سیاسی به مفهوم یادشده دارای مبانی و پایه‌هایی است که می‌توان آن را در اندیشه‌های ایرانشهری جست. از مهم‌ترین این مفاهیم که نمود بیشتری در کلیله و دمنه دارد، می‌توان به «توأمانی دین و سیاست»، «فَرّ»، «عدالت» و اندیشه «شاهی آرمانی» اشاره کرد.

### ۱- توأمانی دین و سیاست

یکی از مؤلفه‌های اندیشه ایرانشهری توأمانی دین و سیاست است. به گفته طباطبایی نظریه «الدین و الملک توأمان» بر اساس گفته‌ای از اردشیر بابکان بنیان‌گذار سلسله ساسانی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶۷). این توأمانی از روزگار ایران باستان مطرح بوده است. طبقه دین‌یاران یا موبدان رابطه نزدیکی با پادشاهان داشته و اصولاً پادشاهان از این طبقه انتخاب می‌شده‌اند. در متون کهن نیز شواهد گوناگونی در این باره وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این شواهد اشاره‌ای است که در نامه «تنسر» به «گشنسب» در تاریخ طبرستان آمده است. تنسر- موبد خطاب به گشنسب شاهزاده می‌نویسد:

«و عجب مدار از حرص و رغبت من به صلاح دنیا برای استقامت قواعد احکام دین، چه دین و ملک هر دو به یک شکم زادند دو سیده هرگز از یکدیگر جدا نشوند و صلاح و فساد و صحت و سقم هر دو یک مزاج دارد» (مینوی و رضوانی، ۱۳۵۴، ۵۳).

«مسکویه رازی» نیز در کتاب «تجارب الامم» رابطه دین و دولت را مانند رابطه دو برادر همزاد می‌داند که وجود هر یک از آنها به وجود دیگری بستگی دارد. از دیدگاه وی دین شالوده پادشاهی است و پادشاهی پاسداری از دین را بر عهده دارد (مسکویه رازی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۱۱۶).

«فرهنگ رجایی» با استفاده از استعاره هندسی بیضی- رابطه بین دین و سیاست را در اندیشه‌های ایران باستان و اندیشه سیاسی ایرانشهری به خوبی توصیف کرده است. از دیدگاه وی رابطه بین دین و سیاست در ایران باستان استعاره‌ای از یک بیضی- است که نیاز به دو کانون دارد. در این رابطه با اینکه هر دو این کانون‌ها مهم هستند، اما هیچ‌کدام نمی‌تواند جای آن دیگری را بگیرد؛ و در



عین حال هیچ‌کدام نیز به تنهایی نمی‌توانند نقش ایفا کنند (رجایی، ۱۳۷۲، ۵۶). بنابراین توأمانی دین و سیاست در اندیشه ایرانی‌شهری به معنای همکاری نزدیک و لازم دو عنصر برای رسیدن به نتیجه، بدون دخالت در کار یکدیگر است.

نسبت و ارتباط بین دین و سیاست در آغازین مباحث کلیله و دمنه آمده است. نصرالله منشی- در دیباچه ترجمه خود از کتاب، بعد از حمد و ثنای الهی و نعت پیامبر(ص) به این مسئله پرداخته است. وی اولین دلیلی را که برای این ارتباط ذکر می‌کند لزوم پایداری امت اسلامی است و به یکی از احادیث پیامبر(ص) اشاره می‌کند: «زمین از برای من درنور دیده و جمع کرده شد، پس بچشم من آورده شد مشرق‌های آن و مغرب‌های آن، زود باشد که پادشاهی من بتمامی آن جای‌ها برسد که از برای من درنورده شد» (منشی، ۱۳۸۷، ۴). از دیدگاه مترجم فارسی کلیله و دمنه به استناد این حدیث اختیار امر و نهی و تصرف در امور به جانشینان پیامبر نیز داده شده است و در قرآن نیز بنا بر آیه ۵۱ سوره نسا بر اطاعت از آنها تأکید شده است. به‌طور کلی استدلال نصرالله منشی- بر توأمانی دین و سیاست بر این ادعا قرار دارد که رواج دین و اجرای احکام و شعائر آن بدون قدرت حکومتی امکان‌پذیر نیست (منشی، ۱۳۸۷، ۴).

دلیل دیگری که وی در این باره می‌آورد اشاره به حدیثی منسوب به پیامبر است که در آن ایشان فرموده‌اند: «الملک و الدین توأمان» (پادشاهی و دین دو برادر هم‌شکم هستند). در ادامه نویسنده نظریه «ظل‌الله» را یادآوری می‌کند: «به حقیقت باید شناخت که ملوک اسلام سایه آفریدگارتند، عژاسمه که روی زمین بنور عدل ایشان جمال گیرد و بهیبت و شکوه ایشان آبادانی جهان و تالف اهواء متعلق باشد» (منشی، ۱۳۸۷، ۴).

وی آثار و نتایج توأمانی دین و سیاست را مواردی چون حفظ نظم، حفظ امت اسلامی از اختلاف و رعایت اصول شرعی و قوانین دینی می‌داند. در اینجا نیز وی به گفته‌ای از «عمر بن خطاب» و همچنین به آیه ۱۳ سوره حشر- استناد می‌کند. وی بر این اساس نتیجه می‌گیرد ترسی که حاکمان در دل کافران و نافرمانان ایجاد می‌کنند، کاراتر از ترسی است که خداوند در دل آنها می‌اندازد. وی با این مقدمات در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسد که «دین بی‌ملک ضایع است و ملک بی‌دین باطل» (منشی، ۱۳۸۷، ۵).

نتیجه مهم دیگری که منشی— از این بحث می‌گیرد، لزوم اطاعت از ملوک و فرمانبرداری از آنهاست. منشی— معتقد است وقتی مصلحت دین در گرو شکوه ملوک است، لزوم اطاعت از آنها هم مشخص می‌شود و در این امر فواید دینی و دنیایی است. جالب اینجاست که وی میزان ایمان و عقیده به دین را با ترازوی اطاعت از پادشاهان می‌سنجد: «هر که دین او پاک‌تر و عقیدت او صافی‌تر در بزرگداشت جانب ملوک و تعظیم فرمان‌های پادشاهان مبالغت زیادت واجب شمرد» (منشی، ۱۳۸۷، ۶).

### فَرّه. فَرّه

یکی دیگر از مفاهیم مطرح‌شده در اندیشه سیاسی ایران‌شهری مفهوم «فَرّه» یا «فَرّه» است. مهم‌ترین کارکرد این مفهوم مشروعیت‌بخشی— به حکومت‌ها و پادشاهان است.

به‌طور کلی آیین پادشاهی در ایران باستان مبتنی بر دو اصل تأیید و فر است. تأیید عملی است که شخص را برای رسیدن به پادشاهی یاری می‌کند و فَرّه موجب تداوم قدرت و فرمانروایی وی می‌شود. فَرّه نمادی است که تأیید الهی را در بر دارد و مؤید قدرت پادشاه است و مهم‌ترین ویژگی آن کم و زیاد شدن و امکان دسترسی همگان به آن است (سودآور، ۱۳۸۴، ۱۳۹).

از میان پژوهشگران خارجی، «آرتور کریستین سن» فَرّه را معادل موهبت ایزدی می‌داند که ویژه فرمانروایان باایمان است (کریستین سن، ۱۳۸۶، ۲۴).

یکی از بهترین و کامل‌ترین تعریف‌ها و تعبیرهایی که از فَرّه شده، از پورداد در کتاب پشت‌ها است. پورداد فَرّه را این‌گونه تعریف می‌کند:

«فر فروغی است ایزدی به دل هر که  
بتابد از همگنان برتری یابد. از پرتو این  
فروغ است که کسی— به پادشاهی رسد و  
برازنده تاج و تخت گردد و آسایش گستر و  
دادگر شود و همواره کامیاب و پیروز باشد.  
همچنین از نیروی این نور است که کسی—  
در کمالات نفسانی و روحانی آراسته شود و

از سوی خداوند از برای راهنمایی مردمان برانگیخته گردد و به مقام پیغمبری رسد و شایسته الهام ایزدی شود. به عبارت دیگر آنکه مؤید به تأیید ازلی است، خواه پادشاه و خواه پارسا و نیرومند و هنرپیشه دارای فرّ ایزدی است چون فرّ پرتو خدایی است ناگزیر» (پورداود، ۲۵۳۶، ۳۱۴، ۳۱۵).

از منابع مهمی که به فرّ و وجوه و ویژگی‌ها و کارکردهای آن پرداخته، اوستا است. یکی از ویژگی‌های فر در اوستا این است که به یاری آن می‌توان بر دشمنان پیروز شد. در بند ۷۷ از زامیاد یشت می‌خوانیم: «از پرتو فرّ بوده که کیخسرو به افراسیاب تورانی و برادرش گرسیوز ظفر یافته آنان را در بند نمود و از یل نامور سیاوش که به خیانت کشته شد و از اغریث دلیر انتقام کشید» (پورداود، ۲۵۳۶، ۲۱۳).

در اوستا به دو گونه «فرّ ایرانی» و «فرّ کیانی» اشاره شده است. فرّ ایرانی گسترده‌تر است و حوزه‌ای وسیع را شامل می‌شود. بنا بر آنچه در «اشتادیشت»، بند اول آمده است فر کیانی ویژه پادشاهان و برگزیدگان است. در زامیاد یشت فرّ کیانی با صفاتی چون زبردست، پرهیزگار، کارگر و چالاک توصیف شده است. این فرّ از آن اهورامزدا است و به واسطه آن است که آفریده‌های نیکوی او پدیدار می‌شود.

مفهوم فرّ با همه اهمیتی که در اندیشه سیاسی ایران باستان و به‌طور کلی در آموزه‌های هند و ایرانی دارد؛ در کلیله و دمنه — و با توجه به ریشه‌های هندی آن نمود بارزی ندارد. دلیل این امر را شاید بتوان در مقاطع زمانی ترجمه این اثر به زبان‌های عربی و فارسی جست. در این دوره‌های زمانی که یکی دوران ابتدایی شکل‌گیری اندیشه سیاسی اسلامی (دوره ابن‌مقفع) و دیگری در زمان «بهرام‌شاه غزنوی» است، برای ایرانی‌های مسلمان شده لزوم وجود فرّه ایزدی برای حاکمان رنگ باخته بود (ظهیری‌ناو و دیگران، ۱۳۸۹، ۸۲).

با این حال مفهوم فرّه ایزدی را در این کتاب در سه مقوله می‌توان بررسی کرد:

۱ — فره ایزدی به صورت تابش نور: این اشاره را می‌توان در تحلیل شعری از صفحات ابتدایی کتاب دریافت:

ای به یک حمله گرفته ملک عالم در کنار / آفتاب خسروانی سایه پروردگار

البته در این بیت هر دو تلقی اندیشه ایرانی شهری (سایه خسروانی) و اندیشه اسلامی (سایه پروردگار) به چشم می‌خورد.

۲- فره ایزدی به صورت سجایای اخلاقی. این تعبیر را در باب‌های گوناگون کلیله و دمنه می‌توان دید. به عنوان مثال در باب «شاهزاده و یاران او» با عبارت «علامات اقبال و امارات دولت در افعال و اخلاق وی واضح» (منشی، ۱۳۸۷، ۴۰۹) توصیف کرده و بدین جهت او را مستحق رسیدن به منزلت و جایگاه سلطنت دانسته است. یا در باب «بوف و زاغ» وجود رذیلت‌های اخلاقی در بوف او را شایسته پادشاهی نمی‌کند.

۳- فره به صورت ظل‌الله: ظل‌الله را می‌توان معادل اسلامی مفهوم فره ایزدی دانست (ظہیری‌ناو و دیگران، ۱۳۸۹، ۸۳).

مفهوم فره ایزدی در دوره اسلامی دچار دگردیسی ویژه‌ای شده است. مهم‌ترین جلوه این تغییر را می‌توان در اصطلاح «ظل‌الله» دید. در اصطلاحات عرفانی ظل‌الله «انسان کاملی است که متحقق به حضرت ذات است» (سجادی، ۱۳۸۶، ۵۶۲). در کنار این اصطلاح «ظل‌الاول» نیز به چشم می‌خورد. در توضیح آن در کتاب شرح اصطلاحات تصوف می‌خوانیم: «عبارت است از عقل اول، چه آن او چیزی بود که به نور خدای تعالی آشکار شد و صورت کثرت که از شئون وحدت ذاتی است پذیرفت» (گوهرین، ۱۳۸۲، ج ۷، ۳۴۱).

بازتولید این مفهوم را در چارچوب اندیشه «پادشاه ظل‌الله» می‌توان در راستای یافتن پایه‌های جدید مشروعیت سیاسی سلاطین در حکومت‌ها و امارت‌های کوچک و بزرگ دوره اسلامی دانست. پایه‌هایی که منطبق با باورهای جدید اسلامی نیز باشد (احمدوند و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۲). در کلیله و دمنه، در باب بوف و زاغ، در اشاره به این مفهوم اصطلاح «سایه آفریدگار» به کار رفته است.

عدالت یکی دیگر از مفاهیم مهم در اندیشه ایرانی شهری است که در آثار متأثر از آن نمود بسیاری دارد. «دات» به معنای قانون و واژه‌های همسنگ آن چون «داد» و «دادگر» در اوستا به کار رفته است. پورداود معتقد است «رشن» نیز که در اوستا با عنوان صفت «رشنو» آمده است به معنای عادل و دادگر است (پورداود، ۲۵۳۶، ۵۶۱). همچنین داد و اولین دادگر صفتی است که در اوستا برای هوشنگ به کار رفته است.

عدالت در ایران باستان به معنای هماهنگی میان طبقات اجتماعی و مراقبت از جایگاه طبقات مختلف و تضمین فرمان برداری طبقات فرودست از طبقات فرادست بوده است (ظهیری‌ناو و دیگران، ۱۳۸۹، ۷۹). بنا بر گفته «کریستین سن» در دوره ساسانیان به افرادی که دارای نسب پست بودند، کارهای دیوانی داده نمی‌شد و منصب‌ها بر اساس نژاد و نسب به افراد می‌رسید (کریستین سن به نقل از ظهیری‌ناو و دیگران، ۱۳۸۹، ۷۹).

به‌طور کلی مفهوم عدالت در اندیشه ایرانی شهری با مفهوم «اشه» به معنای نظم کیهانی گره خورده است. بر همین اساس می‌توان مفهوم استنباطی از آن را که حافظ نظم طبقاتی است دریافت. بر این اساس هرگونه تحرک اجتماعی در جامعه نوعی کژی و نابسامانی در مفهوم کلی اشه است (ظهیری‌ناو و خرم‌آبادی، ۱۳۹۳، ۱۳۳). بنابراین در اندرزنامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها نیز عدالت به معنای بهره‌مندی افراد طبقات گوناگون از امکانات و نعمت‌های دنیوی در حد مقام و رتبه‌های اجتماعی خود است. این برداشت از عدالت به دنبال برقراری برابری میان انسان‌ها نیست، بلکه غایت آن فراهم آوردن شرایط حداقلی برای تداوم زندگی اجتماعی آنان است (حیدری‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۶۸).

نصراً الله منشی— در دیباچه خود بر ترجمه فارسی کلیله و دمنه پس از طرح مباحث مربوط به رابطه بین دین و سیاست و لزوم اطاعت از پادشاهان، به «عدالت» می‌پردازد. از دیدگاه او عدالت یکی از محاسن پادشاهی و زینت گران‌بها و اخلاقی و موهبتی نفیس برای پادشاهان است، نه وظیفه و کارکرد حکمرانی. از دیدگاه وی اگر سود و فایده دیگر عواطف و محاسن پادشاه فقط محدوده خاصی را در بر می‌گیرد و افراد برگزیده‌ای از آن منتفع می‌شوند، نفع عدالت، جمعی و «کافه مردم» را شامل می‌شود (منشی، ۱۳۸۸، ۶). برخی از این منافع را وی این‌گونه فهرست می‌کند: آبادانی مملکت، ازدیاد برداشت محصولات کشاورزی، گشایش درآمدها، احیای زمین‌های بایر، آسایش فقرا، گسترش اسباب معیشت و

کسب‌وکار پیشه‌وران (منشی، ۱۳۸۸). نکته حائز اهمیت اینجاست که وی «سیاست» و کارکردهای آن را از مفهوم عدل جدا می‌کند. سیاست در نگاه منشی، جنبه تنبیهی و قهری امور را در بر می‌گیرد، درحالی‌که عدل ناظر بر امور اجتماعی و آبادانی است؛ گرچه در نهایت تضمین بقای عالم منوط به عدل و سیاست و هدف غایی نیز رسیدن به کامکاری و سعادت است (منشی، ۱۳۸۸، ۷).

در باب‌های گوناگون کلیه و دمنه به عدل، عدالت، رفتار عادلانه و... اشاره شده است. یکی از مهم‌ترین این موارد در فرایند مجازات «دمنه» در باب «شیر و گاو» است. پس از توطئه دمنه که منجر به مرگ «گاو» می‌شود، «شیر» به راهنمایی مادرش تصمیم به مجازات دمنه می‌گیرد و دستور می‌دهد تا قاضی‌ها برای محاکمه دمنه گردهم بیایند و مجمعی را تشکیل دهند. پس از تشکیل مجمع، یکی از قاضی‌ها (وکیل قاضی) دلیل تشکیل دادگاه را احتیاط شاه در مجازات عادلانه دمنه اعلام می‌کند. «وکیل قاضی» از قضات می‌خواهد هرچه از گناه دمنه می‌دانند بگویند و برای این کار سه فایده ذکر می‌کند:

«اول آنکه در عدل معونت کردن و حجت حق گفتن در دین و مروت موقعی بزرگ دارد؛ و دوم آنکه بر اطلاق زجر کلی اصحاب ضلالت بگوشمال یکی از ارباب خیانت دست دهد؛ سوم آنکه مالش اصحاب مکر و فجور و قطع اسباب ایشان راحتی شامل و منفعتی شایع را متضمنست» (منشی، ۱۳۸۸، ۱۴۵).

در این بخش قصد نویسنده تفهیم این نکته به حاکمان است که مجازات افراد نباید بدون دلیل و یقین از وقوع جرم و کیفیت آن باشد. دمنه به همین نکته در جلسه دوم دادگاه اشاره می‌کند: «قاضی را بگمان خود و ظنون حازران بی‌حجت ظاهر و دلیل روشن حکم نشاید کرد...» (منشی، ۱۳۸۸، ۱۵۱).

### شاهی آرمانی

مفهوم شاهی آرمانی مهم‌ترین رکن اندیشه ایرانی‌شهری است. مطالعات انجام گرفته درباره جایگاه و نقش شاه در اساطیر و تاریخ ایران باستان این مطلب را به

خوبی نمایان می‌کند. «سموئیل ادی» در کتاب آیین شهریار در شرق پیرامون جایگاه شاه در ایران باستان می‌نویسد: «شاه فرمانده کل قوا و نیز پرستاری بود که ایزدان جنگ را با نیایش و نیاز به یاری خود برمی‌انگیخت، رئیس مملکت به معنای وسیع کلمه بود و بقای مملکت را با نظارت و شرکت در آیین‌های کشوری تأمین می‌کرد. تصور اینکه جامعه ایرانی بدون وجود او که به‌طور خلاصه مسبب و نگهدار نظم خاص همه چیز بود، بتواند سر کند، تصویری محال بود» (ادی، ۱۳۸۱، ۶۷).

جایگاه شهریار در گیتی (زمین) در اندیشه ایران‌شهری به موازات جایگاه خدا در آسمان تعریف می‌شود. همان‌گونه که خداوند سامان‌بخش امور هستی و آسمان است، شهریار نیز می‌تواند کارگزار آسمان و سامان‌بخش نظم و زندگی در گیتی باشد. مهم‌ترین عامل مؤثر در ایفای این کارکرد وجود «فرّه ایزدی» در شهریار است. فرّه ایزدی شهریار را در جایگاهی قرار می‌دهد که اطاعت از او بر همگان واجب می‌شود. بر این اساس شهریار همیشه در مرکز قدرت قرار داشت و چگونگی برخورد و رفتار او با دیگران تحت ضوابط و آداب ویژه‌ای قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال شهریار معمولاً پنهان از افراد معمولی بود و به آسانی در دسترس قرار نمی‌گرفت. خوابیدن، سخن گفتن، لباس پوشیدن و... به‌طور کلی تمام اعمال ظاهری او طبق سنت‌های ویژه‌ای بود (قادری و رستم‌وندی، ۱۳۸۵، ۱۴۰).

جایگاه شهریار در نظام اندیشه ایران‌شهری به‌گونه‌ای است که به قول «سید جواد طباطبایی» می‌توان این اندیشه را اندیشه «شاهی آرمانی» نامید (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۱۷۵). طباطبایی اعتقاد دارد شهریار والاترین مقام را در ایران باستان دارا بود و همواره در رأس هرم اجتماعی قرار داشت و نقش کسی را ایفا می‌کرد که مردم باید او را الگوی خود قرار داده و تمام مناسبات اجتماعی با توجه به مقام او تعیین شود. طباطبایی ادامه می‌دهد: «در شاهی آرمانی ایرانیان، شاه نماینده طبقات و اصناف مردم، تبلور نهادهای سیاسی و اجتماعی و ضامن بقای آنهاست» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۵۵).

از دیدگاه «ویسهوفر» نیز شهریار نماینده خدا بر روی زمین و برگزیده اهورامزدا برای فرمانروایی جهانیان است. این جایگاه به والاترین مرجع هستی منسوب می‌شود (ویسهوفر، ۱۳۸۰، ۷۷). از دیدگاه «کریستین سن» شهریار در ایران باستان شخصیت خداگونه‌ای دارد و صاحب مقام الوهیت است (کریستین سن، ۱۳۸۴، ۲۸۸).

به‌طور کلی اندیشه «شاهی آرمانی» بر این مبنا قرار دارد که پادشاهی سزاوار کسی است که بهتر سلطنت کند و شایسته‌ترین باشد. این مفهوم را می‌توان در متون کهن ایرانی قبل از اسلام و همچنین در آثار متأثر از آنها پس از اسلام مانند «سیاست‌نامه» «خواجه نظام‌الملک» یافت. خواجه در این باره می‌نویسد:

«ایزدتعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند، او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند، مصالح جهان و آرام‌بندگان را بدو بازیندد و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او اندر دل‌ها و چشم خلائق بگستراند تا مردم اندر عدل او روزگار می‌گذرانند» (نظام‌الملک، ۱۳۹۱، ۵).

در نخستین باب کلیله و دمنه (باب شیر و گاو) پادشاه به کوه بلندی تشبیه می‌شود که در آن انواع میوه‌ها و معدن‌ها وجود دارد؛ اما در عین حال مسکن شیر و مار و دیگر حیوانات مودی نیز است. در همین باب به عبارتی برمی‌خوریم که بازگوکننده جایگاه و نوع نگاه به پادشاه در سلسله‌مراتب اجتماعی و سیاسی است. در یکی از حکایت‌های این باب که در نکوهش توطئه اطرافیان پادشاه نوشته شده، می‌خوانیم: «حکما گویند که یک نفس را فدای اهل بی‌بیتی باید کرد و اهل بی‌بیتی را فدای قبیله‌ای و قبیله‌ای را فدای شهری و اهل شهری را فدای ذات ملک اگر در خطری باشد» (منشی، ۱۳۸۷، ۱۰۷).

در بخشی از باب «شیر و شغال» نیز به اهمیت و جایگاه شهریار پرداخته شده است. در این باب تلاش شده جایگاه شهریار در سلسله‌مراتب و نظام روابط آشنای اجتماعی توضیح داده شود: «و پوشیده نماند که حرمت زن بشوی متعلق است و عزت فرزند بپدر و دانش شاگرد به استاد و قوت سپاه بلسگر قاهر و کرامت زاهدان بدین و امن رعیت بپادشاه و نظام کار مملکت بتقوی و عقل و ثبات و عدل» (منشی، ۱۳۸۷، ۳۰۹).

به‌طور کلی در کلیله و دمنه، مانند دیگر متن‌های مشابه، شهریاری جایگاهی شریف و درجه‌ای عالی دارد که فقط با سعی و کوشش نمی‌توان به آن رسید؛ و به بخت و اقبال نیز باید در این مسیر تکیه کرد و هنگامی که شهریاری به دست آمد



باید در حفظ آن کوشید و در کارهای مربوط به آن غفلت نکرد و امور مهم را کوچک نشمرد و دانست که بقای آن بدون هوشیاری، دوراندیشی، عدل و تصمیم درست و البته زور و شمشیر - امکان‌پذیر نیست (منشی، ۱۳۸۷، ۲۳۶).

## نتیجه‌گیری

کلیله و دمنه یکی از مهم‌ترین متون به‌جامانده از دوره ایران باستان است که در دوره اسلامی ابتدا توسط ابن مقفع به زبان عربی و سپس توسط چند نفر دیگر که مهم‌ترین آنها نصرالله منشی است به زبان فارسی ترجمه شد. محتوای کلی این اثر، اندرزنامه‌ای است از زبان حیوانات و در قالب حکایت‌های جذاب، خطاب به حکومت‌گران یا کارآموزان حکومت‌ها در دربارهای پادشاهی. خطوط اصلی اندیشه‌های مطرح در این کتاب، در چارچوب کلی اندیشه‌های ایرانی‌شهری قابل بررسی است. محورهای اصلی اندیشه‌های ایرانی‌شهری را می‌توان مواردی چون «عدالت»، «توأمانی دین و سیاست»، «فره ایزدی»، «اندیشه شاهی آرمانی» و «خرد» دانست. در این مقاله تلاش شد مفهوم خرد سیاسی و مبانی آن در کلیله و دمنه بررسی شود.

نصرالله منشی در آغازین بخش‌های کتاب به ویژگی‌ها و جایگاه خرد اشاره کرده است. از دیدگاه او خرد پایه و اساس همه چیز و وجه ممیزه انسان از سایر موجودات است. ویژگی‌هایی که وی برای خرد ذکر می‌کند در مقولات اخلاقی، اجتماعی و سیاسی جای می‌گیرد. در جای‌جای کلیله و دمنه بر حسب موقعیت و محتوای باب‌ها و حکایت‌ها، اشاره‌هایی به ویژگی‌های خرد و خردمندان شده است. سهم مهمی از این موارد به استفاده از خرد در حل مسائل و رویارویی با مشکلات و مسائل کشورداری و امور حکومتی است. به‌عنوان مثال در باب بوف و زاغ خرد و رفتار خردمندانه در قالب روابط میان دوستان و دشمنان و ویژگی‌های وزیران و مشاوران حکومت بیان شده است. در باب شیر و گاو محور بحث نزدیکی قدرت و روابط میان آنها و نقش خرد و رفتار خردمندانه است. در باب موش و گربه، به‌کارگیری قدرت تعقل و خرد در شرایط خطیر و هنگام رویارویی با دشمن در شرایط بحرانی به بحث گذاشته شده است و... برای این اساس این شیوه و منش به‌کارگیری عقل و خرد در مواجهه با مشکلات و مسائل را می‌توان خرد سیاسی نامید.

به‌طور کلی مفهوم خرد سیاسی در معنای کلی روش و منش اداره امور؛ طبق آنچه در کلیله و دمنه مطرح شده، بر پایه‌ها اصول اندیشه سیاسی ایران‌شهری بنا شده است. نکته کلیدی در این زمینه این است که طرح این مبانی همگی در جهت مشروعیت‌بخشی و لزوم اطاعت از پادشاهان است. مهم‌ترین این مبانی عبارت است از:

۱- توأمانی دین و سیاست؛ توأمانی دین و سیاست یکی از مفاهیم مهم اندیشه سیاسی ایران‌شهری است که نصرالله منشی در دیباچه خود بر ترجمه فارسی کلیله و دمنه به آن اشاره کرده است. منشی پس از تلاش برای اثبات این توأمانی، نقش ملوک را در حراست از دین، از انبیا و علما به واسطه قدرت شمشیر آنها بیشتر دانسته است. وی در نهایت استدلال می‌کند حال که مصلحت دین در گرو مهابت شمشیر پادشاهان است پس اطاعت از آنها نیز لازم است.

۲- قَرّه؛ گرچه به دلیل دگردیسی این مفهوم در دوره اسلامی، قَرّه آشکارا در کلیله و دمنه به کار نرفته، اما می‌توان در مواردی همچون اشاره به سجایای اخلاقی و مفهوم ظل‌الله و «سایه آفریدگار» آن را دید.

۳- عدالت؛ مفهوم مدنظر از «عدالت» در این اثر، به‌ویژه از دیدگاه نصرالله منشی، نه به‌عنوان کارکرد و الزامات حکومت، بلکه از محاسن و ویژگی‌های پادشاهان و لطفی است که آنها به زیردستان خود می‌کنند.

۴- اندیشه شاه‌آرمانی؛ در کلیله و دمنه نیز مانند دیگر اندرزنامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها پادشاه نقش محوری و اصلی دارد. در جای‌جای این اثر به نقش و جایگاه و اهمیت آن اشاره شده و شیوه‌های به دست آوردن قدرت و حفظ آن مورد توجه قرار گرفته است.

## منابع و مأخذ

۱. ادی، سموئیل (۱۳۸۱)، **آیین شهریاری در شرق**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. احمدوند، شجاع و دیگران (۱۳۹۵)، «فهم و تطور اسطوره فره ایزدی؛ از عهد ساسانی تا دوران اسلامی»، **تحقیقات تاریخ اجتماعی**، سال ششم، شماره اول.
۳. آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، **زرتشت، مزدیسنا و حکومت**، چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. پورداود، ابراهیم (۲۵۳۶)، **یشت‌ها**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. پولادی، کمال (۱۳۸۵)، **تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران**، تهران: نشر مرکز.
۶. خواجه نظام‌الملک طوسی (۱۳۹۱)، **سیاست‌نامه (سیرالملوک)**، به کوشش جعفر شعار، چاپ ۱۶، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۷. حسنی باقری شریف‌آباد، مهدی (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های تشکیل و تحکیم هویت سیاسی و اجتماعی ایران در بخش اساطیری شاهنامه»، **هویت ملی**، سال ۱۲، شماره ۱.
۸. حمیدی، محمد محسن (۱۳۸۶)، **آرام و بی‌قرار (فرهنگ سیاسی در ادبیات فارسی)**، مشهد، خانه آبی.
۹. حیدری‌نیا، صادق (۱۳۸۶)، **شهریار ایرانی**، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۰. دادگی، فرنیغ (۱۳۸۵)، **بندش**، گزارنده مهرداد بهار، چاپ سوم، تهران: توس.
۱۱. دهقانیان، جواد (۱۳۹۰)، «بررسی کارکرد قدرت در فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه»، **پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی**، سال سوم، شماره ۱.
۱۲. رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲)، **تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان**، تهران: قومس.
۱۳. روزنتال، آی. جی (۱۳۸۷)، **اندیشه سیاسی در اسلام در سده‌های میانه**، ترجمه علی اردستانی، تهران: قومس.
۱۴. زرن، آر. سی (۱۳۸۴)، **زروان یا معمای زرتشتی‌گری**، ترجمه تیمور قادری، تهران: امیرکبیر.

۱۵. سجادی، جعفر (۱۳۸۱)، فرهنگ و اصطلاحات و تعییرات عرفانی، چاپ ششم، تهران: طهوری.
۱۶. سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۴)، فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، تهران: نشر نی.
۱۷. صادقی، مریم (۱۳۹۴)، نثر فارسی در سپهر سیاست، تهران: نگاه معاصر.
۱۸. طباطبایی، جواد (۱۳۹۰)، خواجه نظام‌الملک گفتار در تداوم فرهنگی ایران زمین، تهران: نگاه معاصر.
۱۹. طباطبایی، جواد (۱۳۸۵)، خواجه نظام‌الملک، چاپ دوم، تبریز، ستوده.
۲۰. ظهیری‌ناو، بیژن و دیگران (۱۳۸۹)، «سیر و تداوم اندیشه‌های ایران‌شهری در کلیله و دمنه»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، شماره ۷.
۲۱. ظهیری‌ناو، بیژن و بنت‌الهدی خرم‌آبادی (۱۳۹۳)، «تداوم اندیشه‌های ایران‌شهری در خردنامه‌ای گمنام»، پژوهش‌های ادبی، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۴۵.
۲۲. قادری، حاتم و تقی رستم‌وندی، (۱۳۸۵)، «اندیشه ایران‌شهری (مختصات و مؤلفه‌های مفهومی)»، فصلنامه علمی و پژوهشی- علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۱۶، شماره ۵۹.
۲۳. کریستین سن، آرتور (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
۲۴. گوهرین، صادق (۱۳۸۲)، شرح اصطلاحات تصوف، جلد ۷، تهران: زوار.
۲۵. لمبتون، آن.کی.اس (۱۳۷۹)، دولت و حکومت در دوره میانه اسلام، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۲۶. محجوب، محمدجعفر (۱۳۴۹)، درباره کلیله و دمنه، تهران: خوارزمی.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۴)، مزدیسنا و ادب فارسی، به کوشش مهدخت معین، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۸۸)، ترجمه کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی، تهران: امیرکبیر.
۲۹. ممتاز، احمد (۱۳۸۴)، «اندیشه سیاسی ایران‌شهری در اسکندرنامه نظامی»، فصلنامه دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، سال دوم، شماره ۶.
۳۰. مینوی، مجتبی و محمداسماعیل رضوانی (۱۳۵۴)، نامه تنسر به گشنسپ، تهران: خوارزمی.

۳۱. مینوی خرد (۱۳۸۵)، ترجمه احمد تفضلی، تهران: توس.
۳۲. ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۰)، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
۳۳. هیلنز، جان (۱۳۸۱)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.

